

ساختارهای اجتماعی قاتل امام؛

ساختارهای اجتماعی برانداز نظام^۱

مبحث هفتم:

تبیین جدید از «مساجد، نمازهای جمعه، حج، زیارات» به عنوان ساختارهای الهی در عرصه قدرت و سیاست و ضرورت مقیدشدن ساختارهای قدرت مادی به آنها در دوران گذار

حجت الاسلام و المسلمین محمدصادق حیدری

شب هفتم محرم

در مباحث گذشته درباره ساختارهای سیاسی قاتل امام (ع) توضیحاتی بیان شد و سپس در مقایسه با آن، ساختارهای جدیدی که امروزه نظام کفر در عرصه سیاسی (دموکراسی، تحزب و رسانه) ایجاد کرده و نظام اسلامی را در معرض خطر براندازی قرار داده، تبیین شد. حال باید جامعه مؤمنین بدانند در مقابل این ساختارهای مادی، چه ساختارهای الهی و نرم افزارهای دینی برای ساماندهی عرصه سیاسی در امت دینی وجود دارد. در واقع تبیین عمق ظلمات ساختارهای سیاسی مدرن، با هدف ایجاد ترس و خوف در جامعه مؤمنین نیست، بلکه اولاً باید عمق دشمنی و پیچیدگی این ساختارهای مادی معلوم شود تا برخورد ساده‌انگارانه با آنها صورت نگیرد و ثانیاً این که اساساً خدای متعال، مأموریت اصلی انبیاء را ایجاد امت دینی و به تبع آن ساختارهای الهی قرار داده است و لذا در این زمینه، تشریح‌های مفصل و مهمی وجود دارد؛ گرچه با نگاه فردی به قرآن و روایات، این نرم افزارها و ساختارهای سیاسی قابل استنباط نیست. البته فقه شیعه در دوران غیبت کبری علی‌رغم نگاه فردی به دین، مبنای سلامت و حفظ امت دینی بوده اما — همان‌طور که مقام معظم رهبری فرمودند^۲ — چون فقهای عظیم‌الشان شیعه، مبتلا به اداره حکومت نبوده‌اند، به دنبال اجتهاد و استخراج ساختارهای اجتماعی از منابع دینی نرفته

۱. این مباحث با همکاری و مشارکت «حسینیه اندیشه» و هیئت گفتمان انقلاب اسلامی در محرم ۱۳۹۷ و در مسجد اهل بیت (ع) واقع در شهر مقدس قم مطرح شده است. جهت دریافت صوت و متن کامل مباحث به پیام‌رسان «بله، سروش و ای‌تا» به نشانی ذیل مراجعه کنید:

<https://ble.im/Hossiniehandisheh> - <https://eitaa.com/Hossiniehandisheh> - <https://sapp.ir/hosseiniehandisheh>

۲. مقام معظم رهبری: «به خاطر طول سال‌هایی که فقهای شیعه و خود گروه شیعه، در دنیای اسلام به قدرت و حکومت دسترسی نداشتند و فقه شیعه، یک فقه غیرحکومتی و فقه فردی بود، امام بزرگوار، فقه شیعه را به سمت فقه حکومتی کشاند... علّت هم معلوم است. فقهای شیعه، در این مورد تقصیر یا قصوری نکرده‌اند. برای آنها، این مسائل مطرح نبوده است. شیعه، حکومت نداشته است. فقه شیعه، نمی‌خواست استجامه سیاسی را اداره کند. حکومتی در اختیار او نبوده است که جهاد بخواهد آن حکومت را اداره کند و احکامش را از کتاب و سنت استنباط نماید. لذا فقه شیعه و کتب فقهی شیعه، بیشتر فقه فردی بود؛ فقهی که برای اداره امور دینی یک فرد، یا حداکثر دایره‌های محدودی از زندگی اجتماعی، مثل مسائل مربوط به خانواده و امثال آن کاربرد داشت». ۷۶/۳/۱۴.

اند. پس امروز که شیعه و مکتب اسلام به حکومت رسیده است، نباید «فقه» و «اصول» در ظرفیت قبلی خود باقی بماند، بلکه باید وارد استخراج ساختارهای الهی و نرم افزارهای دینی شود تا این ثروت بی نظیر در اختیار جامعه دینی برای ساماندهی سیاسی نظام اسلامی قرار گیرد.

در همین راستا ملاحظه می شود که در موضوع نماز جماعت و مسجد، روایات مفصل و عجیبی نقل شده است؛ خدای متعال به کسانی که در نماز جماعت مسجد محله یا مسجد جامع شرکت کنند وعده های اجر و ثوابی داده که معمولاً دور از ذهن ما انسان های عادی است. به طور نمونه در شرح شهید ثانی بر کتاب لمعه آمده است: «فضیلت نماز جماعت نسبت به نماز فرادی، بیست و پنج برابر است و این در صورتی است که امام جماعت غیرعالم باشد. اما اگر عالم باشد، هزار برابر نماز فرادی فضیلت دارد». این فضیلت تصاعدی در نگاه اولیه، تعجب برانگیز است. سپس در ادامه تصریح شده: «این فضیلت که ذکر شد، برای نماز جماعتی است که در مسجد نباشد، ولی اگر در مسجد جامع شهر به امامت غیرعالم باشد، نسبت به نماز فرادی، ۲۷۰۰ برابر فضیلت دارد و اگر در مسجد جامع به امامت امام عالم باشد، ۱۰۰ هزار برابر نماز فرادی فضیلت دارد!»^۱ یا در جلد چهارم کتاب شریف من لایحضره الفقیه در صفحه ۱۷، این روایت نقل شده: «مَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ يُطَلَّبُ فِيهِ الْجَمَاعَةَ كَانَ لَهُ بِكُلِّ خَطْوَةٍ سَبْعُونَ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَمَحَاعِنُهُ سَبْعِينَ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَيَرْفَعُ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مِثْلَ ذَلِكَ وَإِنْ مَاتَ وَهُوَ عَلَى ذَلِكَ وَكَلَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يُعَوِّدُونَهُ فِي قَبْرِهِ وَيُؤْتُونَهُ فِي وَحْدَتِهِ، وَيَسْتَغْفِرُونَ لَهُ حَتَّى يُبْعَثَ» هر کسی به خاطر نماز جماعت به سمت مسجد برود، برای هر یک قدمی که بر می دارد ۷۰ هزار حسنه می نویسد و درجاتش نیز ۷۰ هزار درجه بالا می رود و اگر در این حالت (استدامت در راه مسجد) بمیرد خدای متعال هفتاد هزار ملک را می فرستد تا او را در قبرش عیادت کنند و تا زمان قیامت برای او استغفار کنند. حکمت این ثواب های عجیب و غریب چیست؟

از سوی دیگر، کناره گیری از مسجد و بی تفاوتی نسبت به نماز جماعت و مسجد در روایات، بسیار تقبیح شده است؛ به طور نمونه نقل شده: «الصلاة في منزلك فرداً هباءً منثور، لا يصعد منه الى الله تعالى شيء»^۱ نماز در خانه خود به صورت فرادی غبار پراکنده است که هیچ چیزی از آن به سمت خدا نمی رود و نیز امام صادق (ع) فرمود: «مَنْ صَلَّى فِي بَيْتِهِ جَمَاعَةً رَغْبَةً عَنِ الْمَسَاجِدِ فَلَا صَلَاةَ لَهُ» اگر کسی با بی میلی نسبت به مسجد در خانه اش نماز بخواند ولو اینکه جماعت باشد، برای او نمازی نخواهد بود. یا در عبارات دیگر آمده است: «رَغْبَةً عَنِ جَمَاعَةِ الْمُسْلِمِينَ»^۲ اگر از روی بی میلی نسبت به جماعت و جمع مسلمین در خانه نماز بگذارد، نماز ندارد. همچنین: «لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَجَّارَ الْمَسْجِدِ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ» همسایه مسجد نماز ندارد مگر در مسجد نماز بخواند. همچنین نقل شده است که به امیرالمؤمنین (ع) خبر دادند عده ای مسجد نمی آیند، حضرت فرمود:

۱. الامالی (للطوسی)، ص ۶۹۶.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۷۵.

«پس ما با آنها معاشرت نمی‌کنیم، با آنها خوراک نمی‌خوریم، مشورت نمی‌کنیم، به آنها بیت‌المال هم نمی‌دهیم مگر اینکه در نماز جماعت حاضر شوند» و حتی در ادامه فرمود: «نزدیک است که من دستور بدهم که خانه اینها را آتش بزنند».^۱

حکمت این ثواب‌های عجیب و غریب و از آن طرف این تهدیدها و برخوردهای سخت و سنگین چیست؟ حتی در امور مادی نیز با سپرده‌گذاری یک میلیون تومان در بانک، ۱۸ درصد سود به آن تعلق می‌گیرد. حال اگر اعلام شود در صورت انجام این سپرده‌گذاری در مرکزی دیگر، ۱۰۰۰ درصد یا ۱۰۰ هزار درصد سود به آن تعلق می‌گیرد، همه با تعجب می‌گویند در آنجا چه خبر است؟! این تصاعد عجیب و غریب ۲۵ برابری یا ۱۰۰۰ برابر و ۲۷۰۰ و ۱۰۰ هزار برابری چه حکمتی دارد؟ هدف از این نوع ترغیب مؤمنین چیست؟ با توجه به مباحث و توضیحات مطرح شده در مبحث اول و دوم و سوم، به نظر می‌رسد حکمت در این است که خدای متعال می‌خواهد در مقابل امت کفر و امت نفاق، «امت ایمانی» تشکیل دهد و جامعه‌ای را بر محور توحید ایجاد کند. کفار از هبوط حضرت آدم تا ۶۸۰۰ سال، امت و جامعه‌ای بر محور کفر ساختند، حال با بعثت نبی اکرم (ص) وقتی قرار است امت دینی تشکیل شود، خداوند می‌خواهد تمام مقدورات و انگیزه‌هایی را که به سمت امت‌ها و جوامع کفر رفته است، به طرف جامعه دینی و جمع شدن بر محور توحید سوق دهد. این هدف، از طریق تجلیل و ثواب‌های بزرگ و تحریک‌های آخرت‌گرایانه انجام می‌گردد. اگر این فضای سلطه‌ی طولانی نظام کفر بر انگیزه‌های بشری خوب ترسیم نشود، طبیعی است که این ثواب‌های بزرگ، عجیب و غیر معمول به نظر آید. در واقع برای شکستن آن فضای ۶۸۰۰ ساله‌ی جوامع کفرآمیز و ساختارهای اجتماعی آن، ایجاد ساختارهای اجتماعی الهی ضروری است که جز با این حجم از تحریک انگیزه‌های الهی نسبت به آخرت ایجاد نخواهد شد. با این توضیحات به نظر می‌رسد بیان چنین اجر و ثواب‌های بسیار طبیعی و حتی ضروری خواهد بود.

مثال عقلایی دیگری را نیز می‌توان در جهت تقریب به ذهن و فهم علت این کثرت ثواب‌ها مطرح کرد (البته ساحت مقدس خدای متعال و مؤمنین از این نوع مطالب و مثال‌ها منزه است): اگر به افراد گفته شود هر کسی پنجاه قدم جلوتر برود و در سر فلان کوچه بایستد، صد هزار تومان جایزه خواهد گرفت، همگی با تعجب می‌گویند ارزش این جایزه خیلی بیشتر از پنجاه قدم راه رفتن است. آیا هر قدم ما دو هزار تومان می‌ارزد؟! اما کسی که این پاداش بزرگ را در برابر چنین کار در ظاهر ساده‌ای پیشنهاد می‌کند، به دنبال آن است که جمعیت و تجمعی در آن محل خاص ایجاد کند و از آن تجمع مردمی، به اهداف خاص اجتماعی برسد. حال خدای متعال نه با مال و اموال دنیا و نه همانند ساختارهای سیاسی مادی، بلکه با ثواب و درجات بهشتی، مؤمنین را تحریک به تجمع می‌کند. «مسجد»، مرکز آرایش سیاسی محله‌ها در جامعه اسلامی است. در واقع نرم افزارهای خدای متعال برای بسیج مؤمنین بر محور ذکر خود، بدون کمترین هزینه و با حضور داوطلبانه عموم مردم محقق می‌شود. در حالی که کفار باید بسیار هزینه کنند و مجموعه‌ای از شهوات را آرایش دهند تا افراد را به دور خود جمع کرده و

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۹۶.

میتینگ یا تجمعی برگزار نمایند. اما خدای متعال با نیت آخرت‌گرایانه و با کمترین هزینه، امکان بزرگی برای جمع کردن مؤمنین به دور هم ایجاد کرده است که در مرحله اول در مساجد صورت می‌پذیرد. بنابراین مساجد هسته‌ی اولیه تجمع و ایجاد امت الهی است. این ثروت بی‌نظیر برای این است که قدم‌های ابتدایی امت‌سازی برداشته شود و مؤمنین به گرد هم جمع شوند و توان‌هایشان هم‌افزا گردد و به آرامی نهرهای کوچکی از نور قدرت ایمانی در شهرها جاری شود.

این مطالب درباره جایگاه مساجد، یک امر انتزاعی یا آرمانی و غیر واقعی در این دوران نیست بلکه انقلاب اسلامی در عمل با همین نرم‌افزارها پیروز شده و جامعه شیعه با همین ساختار مساجد و البته به صورت وجدانی، از بحران‌های ابتدای انقلاب عبور کرده است. این مطلب نیز عنایت خاصه حضرت ولی عصر (عج) به حضرت امام (ره) بود زیرا بدون اینکه نرم‌افزارهای این مطلب به صورت فقه حکومتی و تخصصی تولید شود، ایشان حرکت انقلابی خود را بر اساس هیأت و مساجد پایه‌گذاری کرد. در توضیح بیشتر باید توجه داشت که در این دوران مُدرن، برپایی انقلاب و سرنگون کردن یک رژیم، دارای فرمول علمی است: یا باید نخبگان و رایزن‌های سیاسی که توان بده بستان در ساختارهای قدرت را دارا هستند به دور خود جمع کرد تا از طریق انتخابات و تصاحب کرسی در مجلس، برای سهم‌خواهی در امر قدرت به حاکمیت مطلقه فشار بیاورند؛ که این روش بلوک غرب بود. یا باید به کمک نخبه‌های نظامی و تربیت چریک، مشغول مبارزات مسلحانه شد و شهرها را یکی پس از دیگری به تصاحب خود در آورد؛ که این نیز روش بلوک شرق بود. اما حضرت امام (ره) به هیچ‌کدام از این نسخه‌ها عمل نکرد و این راه‌ها را نرفت. لذا به او می‌گفتند: «نتیجه این کار شما معلوم نیست، نهضت شما کور و پر ابهام است. چرا با نخبه‌های سیاسی و رایزن‌های موجود در امر قدرت و یا نخبه‌های نظامی و چریک ارتباط برقرار نمی‌کنید؟ مگر در قرن بیستم امکان دارد با یک عده مسجدی و هیئتی و آخوند که نهایت توان آنها، خواندن نماز و سینه‌زنی و روضه‌خوانی است، قیام کرد؟!».

اما حضرت امام خمینی (ره) با افشای مفاسد پهلوی و ضدیت آن با آرمان‌های دینی، ظرفیت ائمه جماعات و مردم مؤمن و هیئتی را بالا برد و لذا مساجد و هیأت به شبکه و سازمان انقلاب تبدیل شد که دیگر قابل کنترل نبود، وگرنه شاه و ساواک با بالاترین تدبیرهای امنیتی جلوی تحرکات چریک‌هایی مانند سازمان مجاهدین خلق را گرفته بود و نخبگان و رایزن‌های سیاسی مانند نهضت آزادی را کنترل کرده بود، اما چرا نتوانست نهضت امام را کنترل کنند؟ زیرا حضرت امام (ره) از روش‌های مادی و چارچوب‌های موجود مبارزه خارج شد و از ثروت بی‌نظیر مساجد و هیأت به عنوان نرم‌افزار دینی برای وحدت امت مؤمن استفاده کرد و آن‌ها را بر محور انگیزه‌ها و حساسیت‌های دینی مجتمع نمود و در عمل، تمام نسخه‌های علمی مبارزه را شکست داد و کارآمدی خود را ثابت کرد. گرچه مباحث علمی و فقه حکومتی آن موجود نبود و اساساً همین امر است که بیانگر اعجاز انقلاب اسلامی است. یعنی ملت ایران به رهبری حضرت امام (ره) یک واقعیت جدید سیاسی در دنیا ایجاد کرد و حضرت امام (ره) مهندس ساختارهای الهی در امر مبارزه و کسب قدرت الهی بود و ملت ایران نیز به ندای او لبیک گفت و چنین نوآوری را در عالم سیاست ایجاد کرد. البته این ارتقاء ظرفیت مساجد و هیأت از سال ۴۲ تا ۵۷ طول کشید.

بنابراین آنچه در روایات در این باره آمده و تحلیلی که پیرامون آن ارائه شد، در عمل تحقق یافته است. زیرا در فرهنگ دین، اولین خطری که خدای متعال برای ضلالت بندگان خود مشاهده می‌کند، شکل‌گیری جوامع کفر و نفاق است که با قراردادن مردم در ساختارهای مادی آنها را به عمق ظلمات می‌برند. لذا اولین حکم الهی آن است که باید این جمع‌ها بشکند و یک جامعه دینی ایجاد شود که این امر با تجمع مردم بر محور خدای متعال محقق می‌شود و اولین مرکز آن، مسجد است. البته نه مساجدی که با فرهنگ غاصبان خلافت، فقط برای خواندن نماز و قرآن و بیان احکام فردی باشد بلکه مساجدی که محور آن، افشای مفسد و ساختارهای مادی جامع کفر و نفاق باشد. در این صورت مردم را برمی‌انگیزاند و برکه و جوی‌هایی از نور در مساجد شکل می‌گیرد.

این سرچشمه‌ها و جویبارها از مساجد محله‌ها حرکت می‌کند و در نمازهای جمعه به هم می‌پیوندد و به یک رودخانه بزرگ از نور و ایمان تبدیل می‌شود. یعنی وقتی محله‌ها در مقابل نظام کفر و نفاق آرایش سیاسی پیدا کردند، این محله‌ها به هم می‌پیوندند و یک شهر در قالب نماز جمعه در مقابل جامعه‌ی کفر و نفاق آرایش سیاسی می‌گیرد. لذا متناسب با همین مطلب، در رکعت اول نماز جمعه، سوره جمعه خوانده می‌شود که بخش مهمی از این سوره پیرامون یهود است؛ یعنی جماعتی که «أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا» (مائده/۸۲) دشمن‌ترین مردم نسبت به مؤمنان هستند و در رکعت دوم، سوره منافقین خوانده می‌شود که درباره اهل نفاق و افشای اوصاف آن‌ها است. با این نگاه، ثواب‌های عجیب و غریبی که برای نمازهای جمعه نقل شده است معنا پیدا می‌کند؛ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «مَنْ غَسَلَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ اغْتَسَلَ ثُمَّ بَكَرَ وَ ابْتَكَرَ وَ مَشَى وَ لَمْ يَرْكَبْ وَ دَنَا مِنَ الْإِمَامِ وَ اسْتَمَعَ وَ لَمْ يَلْغِ كَانَتْ لَهُ بِكُلِّ حُطُوءٍ عَمَلٌ سَنَّهُ أَجْرُ صِيَامِهَا وَ قِيَامِهَا»^۱ کسی که غسل کند و در اول وقت در نماز جمعه حضور پیدا کند و پیاده برود و زود برسد و نزدیک امام بنشیند و گوش بدهد و صحبت نکند، هر یک قدمش پاداش یک سال عبادت و نماز و روزه دارد. جهت فهم این حد از اجر و ثواب، باید توجه داشت که هزاران سال کفار، بلاد خدای متعال را غصب کردند و مردم را بر محور مشتهیات و شهوات خودشان آرایش دادند، حال وقتی خداوند می‌خواهد شهرها را بر محور ذکر خود و مقابله با کفار و منافقین آرایش دهد، نمی‌تواند و نمی‌خواهد در این راه از فرهنگ دنیاپرستان و پول و مال و شهوات دنیوی استفاده کند بلکه این غرض اساسی را با تحریک‌های شدید آخرت‌گرایانه انجام می‌دهد. لذا همان طور که بیان شد با این نگاه به روایات، این ثواب‌های بسیار، طبیعی بوده و ناظر به ضرورت امت‌سازی و آرایش سیاسی در شهرهاست. زیرا در مقابل شهواتی که کفار در گذشته با فرهنگ قبیله‌گرایی و قومیت و امروز با دموکراسی و تحزب به بشریت وعده می‌دهند تا با تحریک افکار عمومی، مردم را بسیج کرده و آرایش سیاسی دهند، خدای متعال با این ادبیات انگیزه‌های الهی مردم را تحریک کرده و آرایش می‌دهد: «يَجْلِسُ النَّاسُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى قَدَرِ رَوَاحِهِمُ إِلَى الْجُمُعَاتِ الْأُولَى وَ الثَّانِي

۱. «کسی که در روز جمعه غسل جمعه نماید و در اول وقت نماز، حضور در نماز یابد و خود را به اول خطبه‌ها برساند و پیاده برود و در نزدیک امام جای گیرد و به خطبه‌ها گوش دهد و از لغویات در بین خطبه و حرف زدن خودداری کند به هر قدمی که بر می‌دارد اجر و ثواب یکسال عبادت از نماز و روزه برایش دارد». بحارالانوار، جلد ۸۶، ص ۲۱۳.

وَ الثَّالِثُ^۱ قرب و بعد مردم و جایگاه‌شان نسبت به خدای متعال در روز قیامت بر این اساس مشخص می‌شود که چقدر شوق و شتاب در رفتن به نمازهای جمعه دارند. یا در کافی شریف از امام باقر (ع) نقل شده که در روز جمعه ملائکه مقرب نازل می‌شوند و در هیچ روز دیگری نازل نمی‌شوند و بر کرسی‌هایی از نور بر در مساجد می‌نشینند (آن موقع نماز جمعه‌ها در مساجد بوده است) و اسامی مردم را بر طبق منزلتی که در صف نماز جمعه نشسته‌اند، با قلم‌هایی از طلا و بر صفحه‌هایی نقره‌ای می‌نویسند. این ملائکه مقرب، اعمال شرکت‌کنندگان در نماز جمعه را استنساخ می‌کنند و در غیر از جمعه هم نمی‌آیند و فقط برای همین کار می‌آیند و به آسمان برمی‌گردند.^۲

البته در توییح تارکین نماز جمعه نیز روایات عجیبی نقل شده است، به طور نمونه امام باقر (ع) می‌فرماید: «صلاة الجمعة فريضة والاجتماع إليها فريضة مع الإمام، فإن ترك رجل من غير علة ثلاث جمع فقد ترك ثلاث فرائض، ولا يدع ثلاث فرائض من غير علة إلا منافق»^۳ واجب است که همه به نماز جمعه بروند و با حضور امام در نماز جمعه مجتمع شوند و هرکس سه هفته پشت سر هم این امر را ترک کند، منافق می‌شود. به عبارت دیگر کسی که در جمع مؤمنین شرکت نکند و با برنامه‌ها و حیل‌های جامعه کفر و نفاق و روش شکستن ساختارها و هجمه‌های آنها آشنا نشود، خواسته یا ناخواسته در نقشه‌های آنها قرار می‌گیرد. یا روایت عجیبی در ذیل آیه: «وَ إِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُوا إِلَيْهَا وَ تَرَكُوا قَائِمًا قُلٌّ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَ مِنَ التِّجَارَةِ وَ اللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ»^۴ (جمعه/۱۱) در جلد دوم کتاب مناقب ابن شهر آشوب صفحه ۱۴۶ وارد شده است وقتی نبی اکرم (ص) در حال ایراد خطبه نماز جمعه بود، کاروانی تجاری با زدن طبل، از آنجا عبور کرد و تمام نمازگزاران، حضرت رسول را که ایستاده در حال خواندن خطبه بود رها کرده و به طرف کاروان تجاری رفتند. فقط هشت نفر ماندند: امیرالمؤمنین و حضرت زهرا و امام حسن و امام حسین علیهم السلام و ابوذر و سلمان و مقداد و صهیب. حضرت وقتی این وضعیت را مشاهده کرد، فرمود: «لقد نظر الله يوم الجمعة إلى مسجدی» در این موقع خدا به مسجد من نگاه کرد، «فلولا هؤلاء الثمانية الذين جلسوا في مسجدی لأضرمت المدينة على أهلها نارا و حصبوا بالحجارة، كقوم لوط»، اگر این هشت نفر نیز نمی‌نشستند و همه می‌رفتند و نماز جمعه به هم می‌خورد، اهل مدینه را آتش در بر می‌گرفت و مثل قوم لوط عذاب می‌شدند!

در حالی که اگر کسی نماز فرادای خود را نخواند و روزه نگیرد، به عذاب قوم لوط آن هم به صورت فوری و بلافاصله وعده داده نمی‌شود؛ یعنی در ترک عبادات واجب فردی علی‌رغم بزرگ بودن گناه این کار، چنین روایاتی در عذاب فوری و توییح این فرد وارد نشده است ولی اگر احکام و ساختارهای اجتماعی الهی ترک شود، عذاب آنی خداوند قطعی است. اگر نرم‌افزارهای

۱. «پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: مردم در روز قیامت به ترتیب رفتن به نماز جمعه‌ها در نزد کرامت خدا جای می‌گیرند». بحارالانوار، جلد ۸۶، ص ۲۱۵.

۲. الکافی، ج ۳، ص ۴۱۳.

۳. المحاسن، ج ۱، ص ۸۵.

۴. «هنگامی که آنها تجارت یا سرگرمی و لهوی را ببینند پراکنده می‌شوند و به سوی آن می‌روند و تو را ایستاده به حال خود رها می‌کنند؛ بگو: آنچه نزد خداست بهتر از لهو و تجارت است و خداوند بهترین روزی‌دهندگان است».

دینی برای ایجاد امت و قدرت الهی هتک حرمت شود، عذاب‌هایی مثل عذاب قوم لوط نازل می‌شود. این تهدیدهای سنگین و مجازات‌های بزرگ و ترغیب‌های عجیب برای این است که جامعه‌ی کفار و منافقین، دنیا را فرا گرفته بودند و نبی اکرم (ص) و اوصیای ایشان در مقابل آنان قیام کردند. شکستن این ساختارهای کفرآمیز — که تمام فضای زمین را ظلمانی کرده و به تعبیر امیرالمؤمنین دنیا «کاسفه النور» شده بود — و جمع کردن مؤمنین حول توحید، نیاز به ایجاد انگیزه‌های شدید آخرت‌گرایانه داشت.

بنابراین مردم در نماز جمعه باید خطرات نظام کفر و نفاق و ساختارهای آن را بشناسند و سپس احکام مقابله و دفاع را یاد بگیرند. یعنی تا روز ظهور حضرت حجت (عج) و حتی تا روز قیامت، این سه نظام کفر، نفاق و ایمان، با هم درگیر هستند و در این میان، نماز جمعه محل توزیع «معارف مورد نیاز برای این درگیری تاریخی و اجتماعی» است.

حضرت امام (ره) با تکیه به مساجد و هیأت، انقلاب را به پیروزی رساند و پس از پیروزی نیز برای مقابله با تمام بحران‌های سیاسی، امنیتی و نظامی (مانند اعتراض و هجمه‌ی احزاب غرب‌گرا و شرق‌گرا و مطبوعات آنان به مواضع ایشان و درگیری‌های مسلحانه و تحریک اقوام و جنگ تحمیلی و...) با ساختار الهی مساجد و نمازهای جمعه، جامعه مؤمنین را ساماندهی سیاسی کرد و کشور را از تمامی این بحران‌ها عبور داد. در واقع ایشان بدون تکیه بر «فرهنگ تحزب» و «رسانه‌های مُدرن» و به صورت وجدانی (و نه قاعده‌مند و تئوریک و تولید فقه حکومتی) با عنایت حضرت ولی عصر (عج) و اعجاز الهی، از ساختار نمازهای جمعه استفاده نمود و این مکان را به مرکز ساماندهی سیاسی و تحریک انگیزه‌های آخرت‌گرایانه و بصیرت‌بخشی در مقابل تحلیل‌های کفرآمیز و منافقانه تبدیل کرد. لذا نماز جمعه‌ها بسیار شلوغ شد. زیرا مردم احساس کردند که در این هجمه همه‌جانبه و عینی به ایمان‌شان، نیاز به شناخت احکام و معارف «درگیری» دارند که در حد بضاعت آن روز، در نمازهای جمعه توزیع می‌شد و از این رو، ارتقاء ظرفیتی نیز در ائمه جمعه و مباحث‌شان از احکام و اعتقادات فردی به مسایل حکومتی صورت گرفت. پس بی‌علت نیست که منافقین پنج نفر از ائمه جمعه شهرهای بزرگ را — که از مجتهدین و علمای اسلام بودند — به شهادت رساندند؛ چون کسانی که اهل قدرت مادی هستند به خوبی متوجه می‌شوند چه ساختار و چه جمعی توان به چالش کشیدن قدرت آن‌ها را دارد، امری که ممکن است مؤمنین ساده‌انگار و غرق در احکام فردی، متوجه نشوند. لذا شروع به حذف فیزیکی بازوهای حضرت امام (ره) و نماد قدرت دینی انقلاب یعنی ائمه جمعه کردند. پس در سال‌های اول پیروزی انقلاب به صورت وجدانی و تجربی و عملی، سازماندهی و آرایش سیاسی و بسیج قدرت مردم و انگیزه‌های دینی در شهرها توسط نماز جمعه‌ها اتفاق افتاد.

در مباحث گذشته بیان شد که وقتی شیعیان کوفه می‌خواستند ابا عبد الله الحسین (ع) را قانع کنند تا به شهر آنها وارد شود، در نامه‌شان به حضرت نوشتند: «النعمان بن بشیر فی قصر الإمارة لسنا نجتمع معه فی جمعة و لاجماعة و لانخرج معه الی

عید^۱، ما با نعمان بن بشیر نه به نماز جمعه می‌رویم و نه با او نماز جماعت می‌خوانیم و نه برای نماز عید با او از شهر خارج می‌شویم. همان‌طور که در این نامه ملاحظه می‌شود در آن زمان نیز این ادراکات در میان امت اسلامی جریان داشت که نرم افزار قدرت حکام در جامعه اسلامی و هماهنگ کردن مردم در عرصه سیاست، نمازهای جمعه و جماعت و نمازهای عید است. انقلاب اسلامی نیز با تکیه بر وجدان‌های دینی مردم، از همین نرم‌افزار الهی برای شکستن ساختارهای مادی قدرت و مبارزه در دوران مدرن استفاده کرد. این ساماندهی سیاسی امت انقلابی به وسیله ساختار الهی نماز جمعه در عمل محقق شد، اما به دلیل ضعف فقه موجود و رویکرد فردنگرانه به آن، مباحث اجتهادی و تئوریک و مستندات دینی این حرکت بزرگ از منابع دینی تفقه نشده و بحث نماز جمعه در حد استنباط حکم فردی واجب تخییری یا تعیینی در زمان غیبت محدود شده است.

بنابراین اگر این ساختار الهی در سطح یک وجدان دینی باقی بماند و تئوریزه و مدل‌مند نشود، وقتی کشور به ثبات سیاسی و امنیتی می‌رسد دوباره همان ساختارهای مادی قدرت در امور سیاسی کشور جریان پیدا می‌کند. زیرا آن ساختارهای مادی، تخصص و ادبیات علمی خود را تولید کرده و هزاران پایان‌نامه و صدها کتابخانه تخصصی در پشتیبانی علمی خود دارد. در واقع وقتی علوم رایج در حوزه‌های علمیه نتوانند وجدان‌های الهی و عملیات‌های انقلابی و دینی مردم مؤمن ایران را با اجتهاد و فهم قاعده‌مند از آیات و روایات به دین مرتبط کنند و علوم موجود در دانشگاه‌ها گرفتار همین ساختارهای مادی باشد و آن را حاصل تجربه عقلانی بشر تلقی کند، این ساختارهای مادی مدرن بر کشور حاکم می‌شود و فضای سیاسی کشور را به سوی جناح‌بازی و قدرت‌طلبی و دعوی حزبی می‌برد و باعث می‌گردد مردم از نظام فاصله بگیرند. در حالی که نظام مقدس جمهوری اسلامی اگر به دنبال بده و بستان‌های سیاسی و قدرت‌طلبی بود باید همان ابتدا با آمریکا و شوروی (به‌عنوان ابرقدرت‌های جهانی) وارد بازی قدرت می‌شد و به آن‌ها باج می‌داد.

پس به نظر می‌رسد به دلیل ناتوانی ادبیات تخصصی حوزه و دانشگاه در تئوریزه کردن گفتمان انقلاب اسلامی، دامن‌رفتار انقلاب در معرض اتهام قدرت‌طلبی قرار دارد. در صورتی که انقلاب اسلامی با مشارکت عموم مردم در مبارزه با شاه به پیروزی رسید و با مشارکت عموم مردم نیز توانست چهل سال از تمام چالش‌های سیاسی، امنیتی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی عبور کند. اما تا نتواند ساختارهای الهی خود را در عرصه سیاست، فرهنگ و اقتصاد بسازد، مسؤولین متدین نیز گرفتار ساختارهای مادی‌ای مانند «حزب و رسانه» شده و در بستر این ساختارها پرورش می‌یابند و لذا تدریجاً اخلاق سیاسی آنها تغییر پیدا می‌کند و «ریزش‌های انقلاب» شکل می‌گیرد. وقتی عده‌ای برای رسیدن به قدرت از ساختارهای مادی مانند حزب و جناح‌بندی سیاسی و رسانه‌های مدرن استفاده می‌کنند، در مرور زمان اخلاق مادی این ساختارها بر آن‌ها اثر گذاشته و جمعی از باشگاه قدرت را تشکیل می‌دهند و در نتیجه اگر مردم مخالف آن‌ها رأی دهند، حوادثی مانند فتنه ۸۸ را برای یک

۱. الإرشاد شیخ مفید، ۲/۳۴.

کشور رقم می‌زنند. شکل‌گیری فتنه ۸۸ لغزش چند فرد یا چند مدیر و مسؤول نبود بلکه وقتی تجارب انقلابی در طراحی ساختارهای الهی قدرت تئوریزه نشد، مدیران و نخبگان سیاسی با اخلاق تحزب و دموکراسی و رسانه پرورش پیدا کردند و وقتی کسی که فرهنگ تحزب را به رسمیت نمی‌شناخت، پیروز شد، همه آن‌ها بر ضد او موضع گرفتند تا رهبری مجبور به ابطال انتخابات و زیر پا گذاشتن آراء مردم شود. مقام معظم رهبری در آن ایام، مرتب از نخبگان مطالبه موضع‌گیری صحیح و بصیرت‌بخشی به مردم داشتند اما علت ناتوانی اکثریت آنها چه بود؟ چون اکثر نخبگان سیاسی در فضای دموکراسی و تحزب و رسانه که - برآمده از علوم انسانی ذاتاً مسموم دانشگاه هاست - رشد کرده بودند، نتوانستند به یاری ایشان بیانند. پس علت فتنه ۸۸، همین ساختارهای اجتماعی برانداز است که مورد تبیین قرار گرفت. البته به امداد الهی و دست غیبی حضرت بقیه‌الله الاعظم (عج)، نظام اسلامی باز هم با تجمع مردم انقلابی بر محور امام حسین (ع) در ۹ دی از پرتگاه فتنه ۸۸ عبور کرد ولی مسأله از ریشه حل نشده است و اگر نتوانیم شبکه‌ی مساجد را به مساجد جامع و مساجد جامع را به نماز جمعه به صورت ساختاری مرتبط کنیم و محتوای این شبکه را درگیری با ساختارهای مادی در عرصه سیاست و اقتصاد و فرهنگ مادی قرار ندهیم، فتنه‌های خطرناک تری تکرار خواهد شد و ضربه محکم‌تری به نظام خواهد زد. زیرا ساختارهای اجتماعی برانداز نظام در جامعه جریان دارد و انسان‌ها را پرورش می‌دهد.

عزاداران حسینی باید توجه داشته باشند که این مباحث درباره سرنوشت نظام اسلامی است و آنچه به سرنوشت جامعه و نظام اسلامی مربوط می‌شود بحثی عاشورایی است. با توضیحاتی که مطرح شد واضح گردید که ابا‌عبدالله الحسین (ع) نیز در برابر یک جامعه و ساختارهای مادی آن قرار گرفت با این تفاوت که آن ساختارهای مادی قبل از رنسانس، بر مبنای قومیت بوده و امروزه با تداوم و رشد مادی جامعه کفر، ساختارهای مادی سیاسی از قومیت به دموکراسی و تحزب و رسانه ارتقا یافته است. حال اگر در مساجد و نمازهای جمعه، چگونگی کفرآمیز بودن این ساختارهای جدید مادی به مردم گفته نشود و افشا نگردد که چگونه این ساختارها منافع عمومی را به نفع سرمایه‌داران و قشر خاص صاحبان ثروت مصادره می‌کند، مردم انقلابی بی‌انگیزه شده و نمازهای جمعه هر سال خلوت‌تر از گذشته می‌شود. در نتیجه، عباداتی در نمازهای جمعه انجام خواهد گرفت که مردم حس می‌کنند هم قابلیت جمع‌شدن با ساختارهای مادی را دارد و هم با ساختارهای الهی! یعنی اثر اجتماعی این عبادات، خنثی می‌شود. زیرا مردم هم در نماز جماعت و جمعه شرکت کرده و هم در ساختارهای مادی فعالیت می‌کنند. نتیجه تعریف دین و دین‌داری به انجام عبادات فردی چیزی جز خنثی و بی‌اثر شدن عبادات جامعه ایمانی ندارد این در حالی است که کفار و منافقین، دنیاپرستی را به صورت فردی پیش نمی‌برند بلکه هوای نفس خود را به سطح ساختارها کشانده‌اند.

۱. مقام معظم رهبری: «بنده درباره‌ی علوم انسانی در دانشگاه‌ها و خطر این دانش‌های ذاتاً مسموم هشدار دادم... این علوم انسانی‌ای که امروز رائج است، محتوایی دارد که ماهیتاً معارض و مخالف با حرکت اسلامی و نظام اسلامی است؛ متکی بر جهان‌بینی دیگری است؛ حرف دیگری دارد، هدف دیگری دارد. وقتی این‌ها رایج شد، مدیران بر اساس آن‌ها تربیت می‌شوند؛ همین مدیران می‌آیند در رأس دانشگاه، در رأس اقتصاد کشور، در رأس مسائل سیاسی داخلی، خارجی، امنیت، غیره و غیره قرار می‌گیرند». دیدار با طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم؛ ۱۳۸۹/۲۹/۷.

لذا مقام معظم رهبری نیز همانند حضرت امام برای حل مشکلات و چالش‌های کشور (حتی در بخش سیاسی) به ساختارها و استانداردهای دموکراسی (تحت‌گرایی و رسانه‌های مدرن) تکیه نمی‌کنند، بلکه برخلاف توصیه کارشناسان علوم سیاسی غربی مکرراً تأکید کرده‌اند این مشکلات با همت جوانان مؤمن انقلابی و فعالیت‌های خودجوش آنان حل خواهد شد.^۱ حال اگر در نمازهای جمعه و جماعات و هیأت مذهبی برای جوانان مؤمن، کفرآمیز بودن این ساختارها تبیین نگردد، چگونه جوانان بدون افتادن در دام این ساختارهای مادی بتوانند بسیج شده و با همت خود، اهداف دشمن را خنثی نمایند؟!

در ادامه تبیین ساختارهای الهی قدرت و سیاست، باید گفت که وقتی جوی‌های نور در مساجد محله‌ها و مساجد جامع ایجاد شد و در نمازهای جمعه به نهرهای بزرگ تبدیل گردید و آرایش سیاسی مؤمنین بر ضد نظام کفر و نفاق شکل گرفت، در فریضه «حج» به دریا و اقیانوس ایمان تبدیل می‌شود. زیرا در حج، تمام نخبگان سیاسی از کشورهای مختلف دور هم جمع می‌شوند و در سطح بین‌المللی و جهانی به مانور قدرت اسلام در برابر قدرت کفر می‌پردازند. لذا ساختار مساجد و نمازهای جمعه، محور سیاست داخلی نظام اسلامی می‌شود و ساختار «حج»، محور سیاست خارجی. ساختار اول، بسیج سیاسی درون یک کشور و ساختار دوم، بسیج سیاسی امت اسلام است. بر این اساس نیز ثواب‌های بزرگ و عجیب برای فریضه حج و تهدیدهای سنگینی نسبت به ترک آن در آیات و روایت مشاهده می‌شود؛ به طور نمونه روایت شده است: هر یک قدم که حاجی از منزل خود برای رفتن به حج برمی‌دارد یک گناه از او پاک می‌شود و یک حسنه نوشته می‌گردد. یا در روایت دیگر آمده است: وقتی حاجی حلق و تقصیر انجام می‌دهد با افتادن هر مویی، خدای متعال نوری در روز قیامت برای او قرار می‌دهد. یا در مقابل هر درهمی که در حج خرج می‌کند خدای متعال یک میلیون درهم عوض می‌دهد. تمام این فضایل در عظمت حج، به

۱. مقام معظم رهبری: «امروز برنامه‌ی دشمن، بعد از مایوس شدن از همه‌ی کارهای دیگر، ایجاد شکاف بین نظام جمهوری اسلامی و ملت عزیز ایران است. این حماقت آنها است؛ نمی‌دانند که نظام جمهوری اسلامی چیزی جز ملت ایران نیست، اینها قابل جدا شدن نیستند. نظام اسلامی یک نظام بوروکراتیک جدای از مردم نیست؛ در کاخها و قصرها نیست؛ نظامی است از خود مردم تشکیل یافته، متکی به آحاد مردم و به ایمان مردم و به محبت و عواطف مردم است؛ این نظام اسلامی است؛ این را چطور می‌خواهند از مردم جدا کنند؟ البته شش رئیس‌جمهور دیگر [آمریکا] قبل از این شخص هم این تلاش را کردند و همه‌ی آنها از میدان خارج شدند و نتوانستند این مقصود شیطانی را انجام بدهند. این فشارهای اقتصادی [آنها] هم که عمدتاً روی مردم فشار می‌آورد، به خاطر این است که شاید بتوانند مردم را به ستوه بیاورند، خسته کنند. ما به حول و قوه‌ی الهی پیوندمان را روزبه‌روز با مردم بیشتر و قوی‌تر خواهیم کرد؛ ما انسجام دشمن‌شکن خودمان را حفظ می‌کنیم؛ ما جوانان مؤمن و پُرانگیزه و اهل اقدام را هر روز بیشتر از گذشته به حول و قوه‌ی الهی تقویت می‌کنیم». ۱۳۹۷/۴/۹. «خوشبختانه یک عده قابل توجه عظیمی از جوانان مؤمن و فداکار در کشور وجود دارند که حاضرند جانشان را در راه ارزش‌ها و اصول انقلابی بدهند... این جوانها واقعا هرکدامشان یک گنج اند، یک گنج اند؛ اگر خود این جوانها و آنهايي که با اينها سروکار دارند بفهمند هرکدام یک گنجند، که می‌توانند برای آینده کشور مورد استفاده قرار بگیرند به شرطی که استعدادهایشان درست به کار گرفته شود». ۱۳۹۶/۵/۱۹. «واقعاً بایستی عوامل اقتدار کشور را حفظ کرد؛ عوامل اقتدار کشور را، نیروهای مسلح را، سپاه را، بسیج را، عناصر مؤمن و حزب‌اللهی را. من این را به شما عرض بکنم، آن که سینه سپر می‌کند، در مقابل دشمن در بخشهای مختلف می‌ایستد، شرایط سخت را تحمل می‌کند، او همان عنصر مؤمن و انقلابی و اصطلاحاً حزب‌اللهی است» ۱۳۹۶/۳/۲۲. «قدر نیروهای انقلابی و پُرانگیزه را هم بدانید؛ من به همه‌ی مسئولین سفارش می‌کنم. نیروهای مؤمن، پُرانگیزه و انقلابی، کسانی هستند که در مشکلات، کشور را حفظ می‌کنند، دفاع می‌کنند، سینه سپر می‌کنند؛ قدر اینها را بدانیم». ۱۳۹۶/۵/۱۲.

خاطر این است که امت اسلام بر محور آخرت دور هم جمع شوند. در واقع خدای متعال با این مناسک به تمام اهل دنیا نشان می‌دهد که امت الهی در بدترین منطقه آب و هوایی و بیشترین محدودیت در کمترین استفاده از علایق و شهوات روزمره‌ی بشری، بر محور توحید جمع می‌شوند و مانور قدرت‌شان را در رمی ابلیس و برائت از مشرکین به تمام جهان نشان می‌دهند. این حرکت و مانور بزرگ باعث لرزه بر دل‌های کفار می‌شود زیرا آن‌ها سال‌ها و ماه‌ها تدبیر کرده و نقشه می‌کشند و میلیاردها دلار خرج می‌کنند و مجموعه‌ی بزرگی از شهوات را در مکانی به نمایش دنیا می‌گذارند تا افراد را به دور خود در المپیک و جام جهانی و... جمع کنند. اما دستگاه اسلام، نه تنها این هزینه‌ها را نمی‌کند، بلکه مردم و مؤمنین با هزینه‌های خود در بدترین منطقه آب و هوایی جمع شده و قدرت خود در رهاشدن از دنیا و تعلقات آن را به دنیاپرستان نشان می‌دهند تا آن‌ها بفهمند که امت اسلامی به خاطر دنیاطلبی، از حق و آرمان خود عقب‌نشینی نمی‌کند و توان و قدرت مقابله با تمام زورگویان و مترفین جهان را دارد.

از سوی دیگر تهدید و تندی‌های خدای متعال نسبت به تعطیلی حج و بی‌اعتنایی به این فریضه الهی بسیار سخت و سنگین است: «لو عطلوه سنة واحدة لم ينظروا»^۱ اگر مسلمین یک سال حج را تعطیل کنند بلافاصله عذاب می‌شوند. یا در وصیت معروف امیرالمؤمنین (ع) آمده است: «الله الله فی بیت ربکم فلا یخلو منکم ما بقیتهم فانه إن ترک لم ينظروا».^۲ پس موضوع «حج» محور سیاست خارجی نظام اسلامی است. اما موضوعی که محور ساختارهای سیاست خارجی در تمام جهان است، «دیپلماسی اقتصادی» می‌باشد. لذا تا وقتی احکام حکومتی استنباط نشده و برای جامعه اسلامی تبیین نشده است حتی مسؤولین مؤمن نیز وقتی شعار انتخاباتی می‌دهند دیپلماسی اقتصادی را محور برنامه‌های سیاست خارجی خود ذکر می‌کنند. البته نظام اسلامی نیز به دیپلماسی اقتصادی نیاز دارد اما بحث بر سر «محور» در سیاست خارجی است؛ آیا محور سیاست خارجی، ارتباط اقتصادی آن‌ها با قطب‌های توسعه مادی است یا ارتباط بین‌المللی با کشورهای اسلامی برای مقابله با قدرت کفر جهانی باید محور باشد و در ضمن این سیاست محوری، ارتباط اقتصادی بین مبارزین جهان اسلام نیز شکل گیرد؟ در واقع خدای متعال احکام این ساختارهای الهی را برای ایجاد وحدت امت اسلامی در مقابل کفر جهانی تشریح فرموده است و حوزه‌های علمیه باید این احکام نورانی را براساس فقه حکومتی استنباط نمایند. براساس همین رویکرد است که حضرت امام (ره) نیز سیاست خارجی خود را بر اساس برائت از مشرکین در حج و با تأکید بر موضوع فلسطین بنا می‌گذارد. کفار و اهالی باشگاه قدرت نیز بدرستی فهمیده‌اند که اگر حج، محور سیاست خارجی جهان اسلام شده و این سیاست الهی، در دنیای اسلام جریان پیدا کند، چه زلزله‌ای در جهان اسلام به راه می‌افتد، لذا به مقابله با این سیاست پرداخته‌اند. به‌طور نمونه چهارصد حاجی ایران که به فرمان صریح آیات قرآن در حال برائت از مشرکین در حرم امن الهی بودند، در ماه حرام به خاک و خون کشاندند تا قدرت بین‌المللی آن‌ها در میان امت‌ها اسلامی تزلزل پیدا نکند. البته این سیاست خارجی الهی علی‌رغم

۱. الکافی، ج ۴، ص ۲۷۱.

۲. الکافی، ج ۷، ص ۵۱.

فشار ساختارهای مادی، در دوران رهبری مقام معظم رهبری نیز ادامه پیدا کرد که نتیجه آن، شکل‌گیری «بیداری اسلامی» در جهان اسلام شد.

البته نهایت این روند عرفان سیاسی، در «زیارات» و به خصوص زیارت حضرت اباعبدالله (ع) رقم می‌خورد و متناسب با همین مطلب است که ثواب‌ها و فضائل زیارت ایشان عجیب‌تر و عظیم‌تر از همه ثواب‌هایی است که برای نماز جماعت و نماز جمعه و حج وارد شده است. در واقع جامعه ایمانی در زیارات نه تنها بر محور عبادات خود بلکه بر محور حبّ و عشق به برترین مخلوقات دور هم جمع می‌شوند. لذا اجتماعات بزرگ در حرم‌های مطهر و اعتبار مقدس و پیاده‌روی اربعین در مسیر کربلا شکل می‌گیرد و همین مراکز و اجتماعات است که می‌تواند و باید مرکز بسیج عموم امت شیعه و اسلامی برای مقابله با هجمه‌های کفر و نفاق باشد. زیرا قلوب مؤمنین با معرفت و توجه به ائمه هدی حاضر به بالاترین فداکاری‌ها و جانفشانی‌ها و سخت‌ترین فعالیت‌ها و بیشترین همکاری‌ها می‌شوند و بزرگترین امکان برای مشارکت و کار جمعی بر محور خدای متعال در این بقاع نورانی حاصل می‌شود. پس وقتی حوزه و دانشگاه جریان کفر مدرن در ساختارهای فرهنگی و اقتصادی را نبیند و بالتبع ادراکی تخصصی از جنگ فرهنگی و اقتصادی نداشته باشد بلکه این عرصه‌ها را به محلی برای تعامل و تبادل تحلیل کند، حتما جنگ اقتصادی و فرهنگی میان مردم نیز احساس نمی‌شود و در نتیجه، ساختارهای مادی ضربه‌های خود به نظام اسلامی را تشدید خواهد کرد و همه ما در مقابل این مطلب مسئول هستیم. چون جامعه مؤمنین و جمعی که شیعیان محب اهل بیت بر محور عشق به اباعبدالله (ع) و بغض نسبت به دشمنان گذشته و حال ایشان شکل دادند، نباید فرو بریزد. اما عدم توجه به ساختارهای اجتماعی مادی و اکتفا به استنباط و تبلیغ احکام فردی، در بهترین حالت به تربیت مؤمنینی ختم خواهد شد که در ساختارهای مادی منحل می‌شود و این وضع تدریجاً به تسلط جامعه کفر و نفاق بر جمع مؤمنین و امت ایمانی منجر خواهد گردید.

گرچه باید توجه داشت که شکستن این ساختارهای مادی یک شبه و با روش متحجرانه و طالبانیزم نیست بلکه باید تدبیر علمی کرد تا در یک مدل انتقال و طی دوران گذار، ابتدا ساختارهای موجود (مانند وزارت کشور، استانداری‌ها، شهرداری‌ها، تقسیمات کشوری، جغرافیای سیاسی و روند انتخابات و کاندیداتوری) به مساجد و نمازهای جمعه مقید شود و سپس در گام‌های بعد مساجد و نمازهای جمعه نقش محوری در تئوری تولید قدرت را عهده‌دار شوند که مباحث تفصیلی این پیشنهادات در دو کتاب «گفتمان انقلاب اسلامی»^۱ و «بررسی سه تئوری تولید قدرت، اطلاع، ثروت در سبک زندگی غربی و سبک زندگی اسلامی»^۲ آمده است.

۱. کتاب «گفتمان انقلاب اسلامی»؛ صفحات ۳۱۵ تا ۳۷۴، چاپ دوم، حسینیه اندیشه.

۲. کتاب «بررسی سه تئوری تولید قدرت، اطلاع، ثروت در سبک زندگی غربی و سبک زندگی اسلامی»، صفحات ۴۳۵ تا ۴۸۴ و ۶۵۱ تا ۶۷۳، چاپ اول، حسینیه اندیشه.

ان شاء الله در مباحث آینده به ساختارهای کفرآمیز «اقتصادی» در دوران صدر اسلام و امام حسین (ع) خواهیم پرداخت. سپس ساختارهای اقتصادی مادی ای که امروزه جامعه شیعه به آن مبتلا است مورد تبیین قرار می گیرد تا مشخص شود این وضعیت ناهنجار در اقتصاد کشور که باعث فشار اقتصادی بر سر مردم شده و کارآمدی نظام را به چالش کشیده، چگونه به همین ساختارهای مادی و کفرآمیز برمی گردد.